

استاد عبدالله عقیلی که از صاحب‌نظران درباره آثار و موضوعات تاریخی و فرهنگی ایران است کتابی گرانقدر تحت عنوان دارالضربهای ایران در دوره اسلامی تالیف نموده و جای خالی این موضوع را که در پژوهش‌های مربوط به تاریخ ایران خالی بود پر کرده است. مقوله سکه و مسکوکات تاریخی ایران از جمله مباحثی است که ایشان پیشینه‌های قدیمی در تحقیقات راجع به آن داشته، مقالات عدیده و باارزشی چون «شرفی» (اینده سال هشتم، شماره هفتم مهر ۱۳۶۰) و «سجع در سکه» (اینده، شماره ۲-۱، اردیبهشت ۱۳۶۰) نگاشته‌اند.

باید توجه داشت، با اینکه سکه از لحاظ مطالعات تاریخی و اقتصادی و هنری و جغرافیایی دوران‌های مختلف ایران ماخذ مهمی است، اما هنوز تالیفات ایرانیان راجع به این مقوله بسیار اندک و از نظر کمی و بعضاً کیفی، عقب‌تر از تحقیقات بیگانگان و ایران‌شناسان غربی قرار دارد. به هر حال وجود این کتاب به سکه‌شناسان، باستان‌شناسان، تاریخ‌دانان و جغرافی‌دانان در شناخت حوزه و گستره جغرافیایی حکومت‌های اسلامی در ایران کمک زیادی می‌نماید. استاد ایرج افشار در یادداشت کوتاهی که در سرآغاز این کتاب مرقوم نموده‌اند، این نکته را یادآور شده‌اند که قبل از تالیف این کتاب توسط آقای عقیلی، نخستین بار ادوارد زامباور اثری E. V. Zambaur، دارالضرب‌های اسلامی را در کتاب Die Munzprägungen des Islam گردآوری نموده که فقط جلد اول آن به اهتمام P. Jaekel در سال ۱۹۶۸ انتشار یافت. عنوان این کتاب چنین است:

Der Western und osten bis zum Indus mit Synoptischen Tabellen.

در این کوشش، استاد عقیلی از کتاب فوق‌الذکر بیشترین استفاده را کرده ضمناً از منابع و ماخذ دیگر که فهرست آن در پایان کتاب آمده و کم نیز نیست بهره برده با موشکافی مخصوص خود سعی نموده کتابی در نوع خود کامل، ارائه نماید. این کتاب دارای خصیصه‌ای می‌باشد که در اثر زامباور موجود نیست و آن این است که در معرفی هر دارالضرب به سوابق پیش از اسلام آن هم اشاره شده است. همچنین به رویدادها و حوادث مهم در ارتباط با ضرابخانه‌ها نیز پرداخته شده است.

دیگر منابع سکه‌شناسی را که استاد عقیلی در تالیف خود از آنها استفاده کرده همگی بسیار با ارزش، بعضاً کمیاب هستند. ضمن آنکه ایشان با برخی از مراکز سکه‌شناسی در کشورهای جهان و گروهی از سکه‌شناسان خارجی و ایرانی آشنایی داشته و مرتبط است.

در بخش یا مبحث اول کتاب، مؤلف پیش‌زمینه‌ای را برای خواننده به خصوص افرادی که با علم ضرب سکه آشنایی چندانی ندارند، ارائه می‌دهد. اختصاصات کلی سکه‌ها طی دوران‌های مختلف تاریخ، تغییر اسامی امکنه و شهرها، مشکلات و صورت‌های مختلف تحریر بر سکه‌ها و...

از نکاتی است که در مبحث اول آورده شده است. در مبحث دوم، سازمان ضرابخانه‌ها و چگونگی ضرب مسکوکات (طرازی‌بندی، سرسکه‌ها، ضربایی و انواع آن همراه با تصاویر جالب از روش‌ها و دستگاه‌های ضرب سکه در طول تاریخ و در مناطق گوناگون)، اصطلاحات مرتبط با ضرابخانه‌ها و توضیح بخش‌های ضرابخانه‌های قدیم، با توضیحات مفیدی آمده است. استاد عقیلی در این مبحث از اسنادی استفاده کرده که نزد دکتر اصغر مهدوی بوده و مربوط به دوران قاجار است. این اسناد یک دوره ۲۰ ساله (از ۱۲۹۶ تا ۱۳۱۶ هـ. ق) را دربر

دارالضربهای ایران در دوره اسلامی

عبدالله عقیلی



تهران ۱۳۷۷

معرفی کتاب

دارالضرب‌های ایران در دوره اسلامی

رامین یلفانی

دارالضرب‌های ایران در دوره اسلامی
تالیف: عبدالله عقیلی

ناشر: بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار، تهران، چاپ اول، ۱۳۷۷

می‌گیرد و حاوی اطلاعات ارزنده‌ای به خط حاج محمدحسن و فرزندش حاج حسین آقا امین‌الضرب و دیگر مسؤولان ضرابخانه ناصری و مظفری است.

روش فهرست دارالضرب‌های ایران در دوره اسلامی در این کتاب به ترتیب الفبایی است. با اینحال نواقصی در توضیحات مربوط به برخی شهرها دیده می‌شود، به این معنی که نام شهر مزبور در چه زمان و چه صورت بر سکه نقر می‌گردید، مثلاً الحِصْن یا حِصْن کِیْفَه یا حِصْن کُوفَه در دوران حکومت ارتقیه، ایوبیان، ایلخانان، آق‌قویونلو و سلاطین عثمانی واقعاً به چه صورت بر سکه آورده شده است؟ درست که در اواخر کتاب، بخش القاب دارالضربها آمده اما روشن نمی‌باشد که مثلاً در چه زمانی یا از چه زمانی به زنجان، دارالسعاده می‌گفتند^۱ و یا لقب دارالقرار از چه دوره‌ای به شهر قندهار اطلاق گردیده است^۲ و موارد مشابه آن. البته این موارد به صورت موردی می‌باشد و شامل همه موارد نمی‌گردد. نکته دیگر آنکه برای خواننده کتاب، تشخیص آنکه کدام ضرابخانه‌ها اهمیت بیشتری داشته و از درجه اهمیت بالاتر یا پایین‌تری نسبت به دارالضرب‌های دیگر برخوردار بوده ممکن نمی‌باشد. این انتظار از مؤلف گرانقدر وجود دارد که با استفاده از تجزیات گرانبار خود در امر سکه‌شناسی نکته اخیر را روشن نمایند.

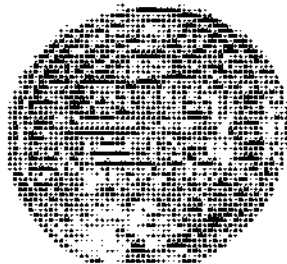
نقش پایتخت‌های سلسله‌های مختلف در ایران دوره اسلامی، از لحاظ سکه‌زنی و یا نظارت بر آن به چه صورت بوده؟ و آیا مسکوکاتی که در پایتخت‌ها و یا مراکز سیاسی و دینی ضرب می‌شد معیاری برای دارالضرب‌های دیگر بوده است یا خیر؟ این سؤالی است که پاسخ آن در کتاب دیده نمی‌شود. علیرغم آن که مؤلف سال‌های مدیدی در امر سکه تحقیق و تفحص نموده و منابع زیادی راجع به سکه‌شناسی در دسترس دارد. اگر تصاویر مسکوکات راجع به دارالضرب‌های مورد اشاره را برای هر یک از آن موارد (حناقل یک سکه برای هر مورد) می‌آورد مطلوب‌تر بود، هرچند کتاب بسیار حجیم‌تر و کار تالیف نیز پرزحمت‌تر می‌شد. از نکات جالب کتاب دارالضرب‌های ایران در دوره اسلامی آن است که مخاطبین به خصوص اساتید و دانشجویان رشته‌های تاریخ و باستان‌شناسی با اسامی شهرهای زیادی که تاکنون مهجور مانده (صرفنظر از بعضی روستاها که محل موتقی و دائمی ضرابخانه‌ها بوده‌اند) آشنا می‌شوند. شهرهایی چون آبی، اندیجاراق، بردعه، تبیل، کرین و...

به هر حال ارزش این کتاب بسیار است و مؤلف در تدوین آن زحمتی زیاد متحمل شده و به عبارتی دایرةالمعارفی بدیع پدید آورده است به گونه‌ای که اگر بتوانیم این کتاب را در حد کتب مربوط به مسایل جغرافیای تاریخی بدانیم بی راه نرفته‌ایم زیرا در تقسیم‌بندی‌های کتب جغرافیایی تاریخی جزو آن دسته آثاری است که جنبه تحقیقی

به روش کتابخانه‌ای دارند و می‌توان در کنار تالیفات اساتیدی چون دکتر عزیزالله بیات و مرحوم دکتر محمدجواد مشکور قرار داد.



سکه اشرف افغان که در سال ۱۱۲۰ هـ. ق. ساخته شده است



سکه نقره سلطان محمد خدابنده، اولجایتو (۷۱۶-۷۱۷ هـ. ق)

پاورقی‌ها:

- ۱- دارالضرب‌های ایران در دوره اسلامی، ص ۱۶۰.
- ۲- همان، ص ۲۲۴.
- ۳- همان، همانجا.